



مطالعه اثربخشی نظام حسابرسی داخلی در بانک سپه

داود پناهی^{۱*}

سارا نیک نفس^۲

حسن جاوید اصل عیسی لو^۳

چکیده

مسئولیت سیستم کنترل داخلی در هر سازمان، برعهده مدیریت آن سازمان است و یکی از کنترل‌های بسیار مهم داخلی که امروزه در بیشتر شرکت‌های بزرگ در کشورهای پیشرفته اجرا می‌شود، حسابرسی داخلی است. این کنترل روی برآورده شدن نیازهای استفاده‌کنندگان از نتایج عملیات حسابرسی داخلی تأثیر چشمگیری می‌گذارد. از این رو در پژوهش حاضر، میزان اثربخشی حسابرسی داخلی در بانک سپه بررسی شده است. جامعه آماری این پژوهش کارکنان امور مالی و بانکی و اعتبارات، مدیران مالی و اداری و معاونان اداری و مالی بانک سپه بود که نمونه‌ای به حجم ۱۴۰ نفر از بین آن‌ها انتخاب و فرضیه‌های پژوهش روی پاسخ این افراد آزمون شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه بود. برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، از روش‌های آماری توصیفی، همچون محاسبه میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از روش‌های هم‌بستگی بین متغیرهای تحقیق و روش‌های تحلیل رتبه‌ای پیرسون استفاده شد. نرم‌افزاری که برای تحلیل داده‌ها در این پژوهش استفاده شده است، اسپس اس اس ۱۹ و ایویوز ۷ بوده است. بر اساس نتایج پژوهش، اثربخش بودن حسابرسی داخلی در بانک سپه پذیرفته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اثربخشی، رازداری، بی‌طرفی، استمرار، کارکرد مستقل، صلاحیت حرفه‌ای، دامنه فعالیت.

طبقه‌بندی JEL: M۴۸، M۴۳، و M۴۰.

۱. مربی، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول)؛
davoudpanahi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد، گروه حسابداری، مؤسسه آموزش عالی مقدس اردبیلی، اردبیل، ایران؛ sara.niknafs9@gmail.com

۳. کارشناس ارشد، گروه حسابداری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران؛ hassan.javid255@gmail.com

مقدمه

پیچیدگی سازمانی و گسترش معاملات تجاری در اغلب کشورها موجب شده است که مدیران بنگاه‌های انتفاعی و غیرانتفاعی با توجه به مسئولیت خود و در راستای دستیابی به اهداف سازمانی و به‌منظور کسب اطمینان از هدایت بهینه کلیه منابع، واحدی به نام حسابرسی داخلی تشکیل دهند. دامنه فعالیت‌های حسابرسی داخلی به مراتب بیش از پیش گسترش یافته است. از سازوکارهای مهم ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی، کنترل‌های داخلی و به تبع آن حسابرسی داخلی است. حسابرسی داخلی در تدوین روش‌های کنترل داخلی اعم از مالی و غیرمالی، استقرار سیستم کنترل داخلی، بررسی و ارزیابی سیستم کنترل داخلی، ارائه پیشنهادهای سازنده برای بهبود این سیستم و ارزیابی اثربخشی و کارایی استفاده از منابع بنگاه، نقشی اساسی و کلیدی دارد و در این راستا، سیستم‌های مالی، مدیریتی و عملیاتی و همچنین، رسیدگی‌های ویژه را در دامنه کار خود دارد. محدوده فعالیت‌ها، روش‌ها و وظایف حسابرسی داخلی در سازمان بوده و چگونگی گزارشگری آن باید به روشنی مشخص شود و افراد و گروه‌های ذی‌صلاح به‌طور دائم عملکرد حسابرسی داخلی را ارزیابی کنند. مدیران نیز باید از نتایج فعالیت‌های حسابرسی داخلی در راستای بهبود سازمان و اصلاح عملکردها استفاده کنند.

کمیته بازل در «نظارت بانکی» مشکلات اخیر بانکداری را به‌منظور شناسایی منابع اصلی کاستی‌های کنترل داخلی بررسی کرده است. تجزیه و تحلیل‌های این کمیته نشان داد که دلیل اصلی آن زیان‌ها، سیستم کنترل داخلی ناکافی بوده است. در نتیجه، این پژوهش کمیته یادشده، اهمیت داشتن یک مدیریت واجد شرایط و باتجربه حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل را برجسته کرده و توصیه کرده که نظارت بانکی، توجه بیشتر خود را بر تقویت سیستم کنترل‌های داخلی و ارزیابی مستمر اثربخشی آنها متمرکز کند (حساس یگانه و مدنی، ۱۳۸۳).

نقش حسابرسی داخلی در سازمان‌ها و بانک‌ها به‌اندازه‌ای در توسعه و ارتقای سیستم کنترل داخلی بااهمیت است که در سال‌های اخیر بسیار بر آن تأکید شده و استقرار واحد حسابرسی داخلی را برای سازمان‌ها و بانک‌ها الزامی می‌دانند. با توجه به گستره و تنوع چشمگیر عملیات مؤسسه‌های مالی، بانکی و ریسک‌های خاص و شایان توجه مرتبط بر عملیات آنها، می‌توان به نقش حیاتی ساختار کنترل‌های داخلی کارا و اثربخش و فرایند ارزش افزای حسابرسی داخلی در این سازمان‌ها پی برد. از این رو، استقرار یک واحد حسابرسی داخلی کارآمد و آگاهی از سطح کیفی آن برای مدیران و ذی‌نفعان از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این پژوهش، اثربخشی به‌عنوان متغیر وابسته و

حسابرسی داخلی به‌عنوان متغیر مستقل بررسی می‌شود تا اطمینان حاصل شود که سیستم حسابرسی داخلی در بانک سپه اثربخش است یا اثربخشی لازم را ندارد.

مبانی نظری

وجود نظام کنترل‌های داخلی اثربخش، بخش مهمی از مدیریت بانک و مبنایی برای درستی و سلامت عملیات در واحدهای بانکی است. استقرار نظامی از کنترل‌های توانمند داخلی می‌تواند به حصول اطمینان از دستیابی به اهداف واحد بانکی یاری رساند. همچنین، با استقرار این نظام می‌توان اطمینان یافت که بانک به اهداف سودآوری بلندمدت خود دست می‌یابد و اعتبار گزارشگری مالی و مدیریتی آن محفوظ خواهد ماند. افزون بر این، وجود چنین سامانه‌ای اطمینان می‌دهد که بانک در انطباق با قوانین و ضوابط بیرونی و نیز سیاست‌ها، برنامه‌ها، رویدادها و ضوابط داخلی عمل می‌کند و خطر خسارت‌ها و زیان‌های غیرمنتظره‌ای را که ممکن است به خوش‌نامی بانک خدشه وارد آورد، کاهش می‌دهد.

بانک‌ها در اعطای اعتبار و تسهیلات با دو خطر کزگزینی و بداخلاقی روبه‌رو هستند. اولی به انتخاب نادرست مشتری و ریسک اقتصادی آن و دومی به انحراف مصرف اعتبار بانکی بر می‌گردد. هر دو مورد به افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها منجر می‌شوند. نظام راهبری شرکتی اثربخش و استقرار حسابرسی داخلی اثربخش می‌تواند به کاهش ریسک اعتباری بانک‌ها منجر شود.

حسابرسان داخلی باید برای جلوگیری و کشف بی‌نظمی‌های کنترل داخلی، درک دقیقی از عملیات، فرایندها و رویه‌های شرکت داشته باشند و باید به‌منظور تعیین اینکه آیا فرایندها و روش‌ها همان‌طور که مدنظر بوده است کار می‌کنند یا خیر، قادر به طراحی و اجرای آزمون‌ها باشند. ارائه اطلاعات مربوط به کفایت و کارایی نظام کنترل‌های داخلی و کیفیت عملکرد واحد تجاری به رئیس هیئت‌مدیره و مدیران اجرایی واحد تجاری، از مسئولیت‌های حسابرسان داخلی است. شرکت‌هایی که بهترین دستورالعمل حسابرسی داخلی را دارند، آنهایی که رویه‌های پیشرو را به‌کار می‌گیرند و با انتظارات و اهداف راهبردی مقرر توسط مدیریت و هیئت‌مدیره هم‌گام هستند، به‌طور کلی کنترل‌های بهتری خواهند داشت.

نخستین هدف سیستم کنترل داخلی سازمان، ارائه اطمینان معقول به مدیریت اجرایی از این موارد است: اطلاعات مالی صحیح و قابل اعتمادند، سازمان در انطباق با سیاست‌ها، نقشه‌ها، رویه‌ها، قوانین و مقررات و قراردادهای است، دارایی‌ها در برابر خسارت و سرقت محافظت شده‌اند، منابع

به‌نحوی اثربخش و مقرون به‌صرفه به‌کار گرفته شده‌اند و اهداف مشخص شده برای عملیات و برنامه‌ها، قابل دستیابی هستند. حسابرسی داخلی روی ارزیابی این سیستم یا چارچوب کنترل داخلی متمرکز است. گونه دوم کار حسابرسی که حساب‌برسان به اجرای آن راهنمایی شده‌اند، بررسی صحت و قابلیت اعتماد اطلاعات مالی و عملیاتی و ابزار استفاده‌شده برای شناسایی، اندازه‌گیری، طبقه‌بندی و گزارش این اطلاعات است. حساب‌برسان داخلی باید سیستم‌های اطلاعاتی را بیازمایند، بازرسی کرده و تعیین کنند که آیا سوابق و گزارش‌های مالی و عملیاتی شامل اطلاعات صحیح، قابل اعتماد، به‌موقع، کامل و مفید هستند و اینکه آیا کنترل‌های نگهداری سوابق و گزارش‌گری کافی و مؤثر هستند یا خیر. بررسی سیستم‌ها، به‌منظور کسب اطمینان از مطابقت با سیاست‌ها، طرح‌ها، رویه‌ها، قوانین و مقررات، نشان‌دهنده رکن سوم فعالیت‌های حسابرسی است که توسط استانداردها تشریح شده است. مدیریت اجرایی، مسئول برقراری سیستم‌هایی به‌منظور حصول اطمینان از تطابق با این الزامات است و نقش حساب‌برسان داخلی تعیین این است که آیا سیستم‌های طراحی‌شده توسط مدیریت، کافی و مؤثر هستند و آیا فعالیت‌های حسابرسی‌شده با الزامات مقتضی منطبق هستند یا خیر؟

حسابرسی داخلی، در حوزه مدیریت ریسک نقشی اساسی ایفا می‌کند. مدیریت سازمان مسئول تعیین ریسک‌های درونی و بیرونی است، اما حساب‌برسان داخلی در تعیین ریسک‌های بالقوه، ارزیابی ریسک‌ها و تعیین نقاط ریسک‌پذیر سازمان به مدیریت کمک می‌کنند. همچنین، در زمینه اثر معیارهای واکنش به ریسک‌ها، کنترل‌های کلیدی و اینکه آیا ریسک‌های سازمان به‌حدی پذیرفته‌شده کاهش یافته‌اند یا خیر، اظهارنظری بی‌طرفانه و مستقل ارائه می‌کنند. با توجه به این توضیحات، به‌منظور اجرای حسابرسی مؤثر و افزایش اثربخشی عملیات حسابرسی داخلی رعایت موارد زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- واحد حسابرسی داخلی بانک باید از واحدهای حسابرسی شونده مستقل باشد. همچنین، این واحد باید از فرایند کنترل داخلی که به‌صورت روزمره اجرا می‌شود، مستقل باشد. این بدین معنا است که واحد حسابرسی داخلی، جایگاه مناسبی در بانک دارد و وظایف محول‌شده را با بی‌طرفی و به‌گونه‌ای منصفانه انجام می‌دهد. همچنین، واحد حسابرسی داخلی باید بی‌طرف باشد، یعنی در موقعیتی باشد که وظایف محول‌شده را دور از هرگونه تعصب و مداخله انجام دهد.
- حسابرسی داخلی در بانک باید کاری دائمی باشد. مدیریت ارشد باید در انجام وظایف و مسئولیت‌های خود، کلیه معیارهای اندازه‌گیری ضروری را در نظر بگیرد، به‌طوری که بانک

به‌طور مستمر روی کار واحد حسابرسی داخلی متناسب با اندازه و ماهیت عملیات خود اتکا کند. این معیارهای اندازه‌گیری شامل فراهم آوردن منابع و استخدام نیروی انسانی شایسته برای دستیابی به اهداف آن واحد است.

- صلاحیت حرفه‌ای حسابرسی داخلی برای اجرای صحیح حسابرسی داخلی ضروری است، زیرا این واحد باید کلیه فعالیت‌های بانک را پوشش دهد و این موضوع روزه‌روز تخصصی‌تر می‌شود. افزون بر این، فعالیت‌های جدیدی مطرح می‌شود یا بر پیچیدگی فعالیت‌های موجود افزوده می‌شود. این موارد، دلیل نیاز به داشتن حسابرسی داخلی با سطح دانش و تجربه بالا است و آنها باید به‌طور مستمر برای به‌روز کردن دانش فعالیت‌های بانکی و فنون حسابرسی آموزش داده شوند. افزون بر این، باید در تأیید صلاحیت حرفه‌ای حسابرسان داخلی، ظرفیت آنها در جمع‌آوری اطلاعات و انتقال نتایج، بررسی و ارزیابی شود. همه این موارد بسیار بااهمیت هستند، زیرا واحد حسابرسی داخلی به‌عنوان یک مجموعه، باید از شایستگی کافی برخوردار باشد تا بتواند به کلیه حوزه‌های فعالیت بانکی رسیدگی کند.
- هر یک از فعالیت‌ها و واحدهای بانک در دامنه فعالیت حسابرسی داخلی جای می‌گیرد یا هیچ‌یک از فعالیت‌ها و واحدهای بانک از دامنه فعالیت واحد حسابرسی داخلی مستثنا نیستند.

حسابرسی داخلی

گسترش و پیچیدگی روزافزون و پرشتاب واحدهای اقتصادی در دنیای امروز، پیشرفت مداوم فناوری، افزایش حجم معاملات، فشارهای ناشی از کمبود منابع و افزایش رقابت و وجود انواع خطر در کلیه زمینه‌ها که اهداف و سیاست‌های سازمان را چه از درون و چه از برون تهدید می‌کند، سبب شده تا ذهن و افکار مدیریت به مسائل بی‌شماری معطوف شده و در عمل، کنترل مستقیم و انفرادی این‌گونه واحدها غیرممکن شود.

نبود کنترل مستقیم روی عملیات سازمانی و دوری مدیریت ارشد از تمام فعالیت‌های واحد تجاری باعث شده است تا مدیریت برای انجام وظیفه مابشرتی خود، به استقرار یک سیستم اثربخش کنترل داخلی به‌عنوان جزئی جدانشدنی از سیستم مدیریت کارآمد روی آورد. در این راستا، حسابرسی داخلی به‌عنوان بخش مهمی از سیستم کنترل مدیریت به‌عنوان یک ضرورت شناخته شده، به‌طوری که حسابرسی داخلی در سیستم کنترل داخلی و مدیریتی، جایگاهی والا پیدا کرده است. امروزه، هیچ ساختار کنترل داخلی بدون وجود حسابرسی داخلی کامل نیست. وظیفه حسابرسی داخلی، خدمت و یاری به مدیریت واحدهای اقتصادی در انجام مسئولیت‌ها است.

در کلی‌ترین تعریف، «بررسی و ارزیابی مستقل فعالیت‌های یک سازمان در چارچوب ضوابطی معین توسط تعدادی از کارکنان واحد حسابرسی یا افراد حرفه‌ای، حسابرسی داخلی نامیده می‌شود. در واقع حسابرسی داخلی، ارزیابی مستقلی است که توسط مدیریت بانک یا یک بنگاه اقتصادی برای بررسی سیستم کنترل داخلی، انجام می‌شود». حسابرسی داخلی کفایت سیستم کنترل داخلی را از لحاظ اثربخش و کارآمد بودن و استفاده از منابع سازمان، ارزیابی و گزارش می‌کند. حسابرسی داخلی به‌طور سنتی، بخشی از سیستم کنترل داخلی شمرده می‌شود که از طریق بررسی و ارزیابی کنترل‌های داخلی به مدیریت واحدهای اقتصادی در ایفای وظایف کمک می‌کند. اما، هم‌زمان با مطرح شدن ایده جدید «نظام راهبری بنگاه» یا «راهبری سازمان» در ادبیات مدیریت، در دهه اخیر در حسابرسی داخلی تحولی اتفاق افتاد. در همین چارچوب، حسابرسی داخلی بخشی جدایی‌ناپذیر از نظام «راهبری سازمان» به شمار می‌رود. راهبری سازمان سازوکاری است که وظیفه هدایت و کنترل سازمان را به سمت هدف‌های خود به‌منظور «خلق ارزش برای شرکت» بر عهده دارد. اجزای نظام راهبری سازمان شامل هیئت‌مدیره، کمیته حسابرسی، مدیریت ارشد، حسابرسان مستقل، حسابرسان داخلی و ارگان‌های نظارتی است. ارزیابی عملکرد حسابرسی داخلی باید توسط کمیته حسابرسی و در نبود آن توسط هیئت‌مدیره بانک یا بنگاه با مقایسه منابع مصرف‌شده با بازده حاصل از آن انجام شود. انجمن حسابرسان داخلی (IIA) حسابرسی داخلی را «یک فعالیت اطمینان‌بخش و مشاوره‌ای مستقل و بی‌طرف می‌داند که با هدف ارزش‌افزایی و بهبود عملیات سازمان انجام می‌شود. حسابرسی داخلی با به‌کارگیری شیوه‌ای اصولی و نظام‌مند برای ارزیابی و بهبود اثربخشی فرایندهای حاکمیت، مدیریت ریسک، سازمان را در دستیابی به اهداف یاری می‌کند».

هیئت تدوین استانداردهای حسابرسی، حسابرسی داخلی را این‌چنین تعریف می‌کند: «ارزیابی مستقلی که به‌وسیله مدیریت سازمان برای بررسی سیستم کنترل داخلی ایجاد می‌شود. حسابرسی داخلی، کفایت سیستم کنترل داخلی را از لحاظ درست و مناسب، اقتصادی، اثربخش و کارآمد بودن استفاده از منابع سازمان، می‌آزماید و از طریق ارزیابی، میزان مؤثر بودن دستورالعمل‌ها، کارایی روش‌ها، کنترل و انعکاس نتایج را در قالب گزارش مدون تهیه می‌کند.» (کرراهی مقدم و مرادی، ۱۳۸۵). همچنین، انجمن بین‌المللی حسابرسان داخلی، تعریف دیگری به این شرح عنوان کرده است: «فعالیتی اطمینان‌بخش و مشاوره‌ای مستقل و واقع‌بینانه که با هدف ارزش‌افزایی و بهبود عملیات سازمان انجام می‌شود. حسابرسی داخلی با گزینش رویکردی نظام‌مند به سازمان کمک می‌کند تا به

اهداف خود دست یافته و فرایندهای اثربخش مدیریت ریسک، کنترل‌ها و حاکمیت شرکتی را بهبود بخشید.» (پورموسی، ۱۳۸۸).

ضرورت استقرار حسابرسی داخلی از دید نظارت بانکی

تحولات اخیر نظام بانکی، نیاز به نظارت محتاطانه برای حفظ ثبات و اطمینان در سامانه مالی را افزایش داده است. این موضوع، با رخداد بحران مالی جهانی و ورشکستگی شمار بسیاری از بانک‌ها اهمیت صدچندان یافته است. نظارت بانکی اثربخش از جمله پیش‌شرط‌های اساسی برای پیشگیری از بحران مالی و اطمینان از درستی عملکرد نظام اقتصادی است. هدف اصلی نظارت بانکی، حفظ ثبات نظام مالی و افزایش اعتماد به آن از راه کاهش ریسک برای سپرده‌گذاران و سایر اعتباردهندگان است. از این رو، نظارت در پی آن است تا اطمینان دهد که بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری به شیوه‌ای ایمن و درست عمل می‌کنند و در رویارویی با ریسک‌های پیش روی خود از سرمایه و ذخایر کافی برخوردارند.

بانک مرکزی ج.ا.ا. که به موجب بند «ب» ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور (مصوب تیر ۱۳۵۱) وظیفه نظارت بر بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری را بر عهده دارد، از اواخر دهه ۱۳۷۰ با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای نهادها و مجامع حرفه‌ای و تخصصی رویکرد «نظارت مبتنی بر ریسک» را به‌عنوان رویکرد اصلی در نظارت بر بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری کشور برگزیده است. در این راستا، با تجدید ساختار سازمانی حوزه نظارت بر بانک‌ها و تدوین ضوابط احتیاطی، تعمیق و گسترش ادبیات نوین بانکی در کشور را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده است.

از سازوکارهای مهمی که در ارتباط با نظارت و هدایت اثربخش و کارای سازمان‌ها، به‌ویژه بانک‌ها و نهادهای مالی مطرح شده است، مفهوم «کنترل‌های داخلی» است. نظر به اهمیت این موضوع، کمیته نظارت بانکی بال نیز در بسیاری از اسناد خود استقرار یک نظام توانمند کنترل داخلی را، لازمه مدیریت اثربخش و کارای بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی دانسته است. به‌طور مثال، مدیریت اثربخش بسیاری از ریسک‌های بانکی، به‌ویژه ریسک عملیاتی، مستلزم استقرار نظام کنترل داخلی توانمندی است که در همه وظایف و ارکان بانک جریان داشته باشد. همچنین، در بررسی نارسایی‌های مربوط به راهبری شرکتی بسیاری از سازمان‌ها نبود یک نظام کنترل داخلی را از علل مهم اثرگذار در این رابطه دانسته‌اند. از این رو، نظام کنترل داخلی همچون بازوی توانمندی است که به کمک آن می‌توان ریسک‌های بانکی را به شیوه‌ای اثربخش مدیریت و از استقرار نظام توانمند

راهبری شرکتی اطمینان حاصل کرد. کمیته نظارت بانکی بال نیز در سپتامبر ۱۹۹۸ به انتشار سندی با عنوان «چارچوبی برای نظام‌های کنترل داخلی در واحدهای بانکی» اقدام کرد.

کمیته بال در «نظارت بانکی» مسائل اخیر بانکداری را به‌منظور شناسایی منابع اصلی کاستی‌های کنترل داخلی بررسی کرده است. تجزیه و تحلیل‌های این کمیته نشان می‌دهد که کنترل داخلی ناکافی دلیل اصلی آن زیان‌ها بوده است. در نتیجه این پژوهش، کمیته یادشده اهمیت برخورداری از یک مدیریت شایسته و باتجربه و نیز حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل مناسب را برجسته کرده و توصیه کرده است که نظارت بانکی توجه بیشتر خود را بر تقویت کنترل‌های داخلی و ارزیابی مستمر اثربخشی آنها متمرکز کند.

کمیته بال انواع نارسایی‌ها که معمولاً در بانک‌های دارای مشکل دیده شده است را به شرح زیر

بیان می‌کند:

- نبود پاسخ‌گویی و نظارت کافی مدیریت و کوتاهی در توسعه فرهنگ کنترلی قدرتمند درون بانک: بدون استثنا، زیان‌های عمده واردشده به بانک‌ها نشان‌دهنده بی‌توجهی و کوتاهی مدیریت در ارتباط با فرهنگ کنترلی بانک، هدایت و نظارت ضعیف هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد و پاسخ‌گویی غیرشفاف مدیریت در تخصیص نقشها و مسئولیت‌ها است.
- تشخیص و ارزیابی نامناسب ریسک بعضی از فعالیت‌های بانکی، چه این موارد مربوط به اقلام بالای خط ترازنامه باشند و چه مربوط به اقلام زیرخط ترازنامه: دلیل وارد آمدن زیان‌های عمده به بسیاری از واحدهای بانکی، کوتاهی آنها در تشخیص و ارزیابی ریسک محصولات و فعالیت‌های جدید یا کوتاهی در به‌روزرسانی ارزیابی ریسک خود در مواقعی است که تغییرات شایان توجهی در محیط یا شرایط تجاری به وقوع پیوسته است. بسیاری از موارد اخیر، این واقعیت را به‌طور آشکار نشان داده‌اند که آن گروه از نظام‌های کنترلی که در خصوص محصولات سنتی یا ساده به‌خوبی عمل می‌کنند، در خصوص محصولات پیشرفته و پیچیده‌تر از توان لازم برخوردار نیستند.
- نبود یا ناتوانی ساختارها و فعالیت‌های کنترلی مهم، همچون تفکیک وظایف، تأییدیه‌ها، رسیدگی‌ها، رفع مغایرت‌ها و بازبینی عملکرد اجرایی: تفکیک نکردن وظایف، نقش عمده‌ای را در زیان‌های مهم واردشده به بانک‌ها ایفا می‌کند.
- تبادل ضعیف اطلاعات بین سطوح مدیریت بانک، به‌ویژه در خصوص انعکاس مسائل به سطوح بالا: کارآمدی مستلزم ابلاغ مؤثر سیاست‌ها و رویه‌های بانک به همه کارکنانی

است که در یک فعالیت خاص مشارکت دارند. بروز برخی زیان‌ها در بانک‌ها به آن دلیل است که کارکنان مربوط از سیاست‌های بانک مطلع نیستند یا آنها را درک نمی‌کنند.

- بی‌کفایتی یا ناکارآمدی برنامه‌های حسابرسی و فعالیت‌های نظارتی: در موارد متعدد، حسابرسان در شناسایی و گزارش ضعف‌های کنترلی مربوط به بانک‌های مبتلا به مسائل، دقت کافی به عمل نیاورده‌اند. در مواردی دیگر، اگرچه حسابرسان اقدام به گزارش مسائل کرده بودند، اما هیچ‌گونه سازوکاری تعبیه نشده بود تا توسط آن بتوان اطمینان یافت که مدیریت به اصلاح این نارسایی‌ها اقدام کرده است.

جایگاه حسابرسی داخلی در بانک‌ها

یکی از استانداردهای حسابرسی داخلی، استقلال و بی‌طرفی است. این موضوع، باعث سوءتفاهم‌هایی درباره جایگاه سازمانی و خطوط گزارشگری حسابرسی داخلی در ایران شده است. حسابرسی داخلی در سطح حرفه‌ای، جزئی از تیم مدیریت است که محرک و سرآغاز تحول برای بهبود و افزایش کارایی و اثربخشی سامانه‌ها و فرایندها است. این، مستلزم ارتباطات سازنده و اثربخش با مدیران ارشد بانک و به‌ویژه مدیرعامل است. نباید این‌گونه تلقی شود که استقلال و بی‌طرفی به‌معنای جدایی حسابرسان داخلی از مدیریت و سازمان و برافراشتن پرچم جداگانه‌ای است. حسابرسان داخلی باید از بین افراد اندیشمند سازمان انتخاب شوند که از بینش قوی، روابط عمومی و ارتباطات خوب، خویشتن‌داری و البته دانش و تجربه کافی برخوردار باشند و درک درستی از موقعیت خود داشته باشند.

موقعیت سازمانی حسابرسی داخلی

به‌عنوان یک قاعده کلی، موقعیت سازمانی واحد حسابرسی داخلی به توانایی و اثربخشی آن بستگی دارد. در بیشتر سازمان‌ها، وظایف حسابرسی داخلی در بخش مالی و زیر نظر مدیر اجرایی است. این موقعیت تا حدی پذیرفته‌شده و رضایت‌بخش است، زیرا حسابرسی داخلی باید به کسی گزارش دهد که کل بخش عملیاتی را بررسی می‌کند.

دامنه اثر بخشی فعالیت‌های حسابرسی داخلی به میزان پذیرفتگی مافوق او بستگی دارد. بنابراین، موقعیت سازمانی به‌نسبت بالا و حمایت بی‌چون و چرای مدیریت مافوق برای حسابرسی داخلی لازم و ضروری است. حسابرسان داخلی باید موقعیتی هم‌تراز با مدیران اجرایی داشته باشند و جزء کارکنان آنها نباشد.

همچنین، باید توجه داشت که اگر حسابرسان داخلی توانستند وظایف خود را به طور مؤثری انجام دهند به دلیل حمایت مدیریت است، زیرا آنها دارای هدف مشترکی هستند. اما داشتن موقعیت انحصاری، ممتاز و به نسبت بالا در نمودار سازمانی به طور خودکار مسائل را به طرز اثربخشی حل نمی کند.

متأسفانه مدیران به استفاده از خدمات حسابرسان داخلی تمایلی ندارند، مگر آنکه متقاعد شوند که خدمات آنها با ارزش است. حسابرسان نیز باید نشان دهند که قادرند اموری را انجام دهند که از آنها انتظار می رود.

همه مدیران موفق در پی کسب نتایج خوب به خصوص در مقوله هایی هستند که اثربخشی آنها اندازه گیری می شود. مدیر فروش، علاقه مند به بهبود عملکرد فروش، مدیر تولید خواهان حداکثر کردن تولید و مدیر عامل خواستار حداکثر سود است.

یکی از ویژگی های مدیران خوب، دانستن این مورد است که چگونه بایستی پیش رفت، آنها خواستار اجرای منظم وظایفی هستند که درباره آن مسئولیت دارند یا هنگامی که مشکلی نیست می خواهند بدانند نقاط مشکل آفرین کجاست و چگونه می توان آنها را حذف کرد یا حداقل ثابت نگه داشت.

اگر حسابرس داخلی بتواند مدیر را قانع کند که می تواند برای بهبود نتایج به او کمک کند و ضعف ها را شناسایی و اصلاحات لازم را پیشنهاد می کند و می تواند به جلب حمایت او امیدوار باشد. معمولاً حسابرس داخلی به حمایت مدیرعامل نیاز دارد. در شرکت های پیشرفته معمولاً یک مدیر اجرایی قوی حامی نیروهای خود است و آنها را هدایت می کند. در گام نخست، حسابرس به حمایت او نیاز دارد. در مقابل نیز مدیر می تواند منافع شایان توجهی را از خدمات حسابرسی انتظار داشته باشد. مدیران معمولاً یک زمینه تخصصی دارند. شایسته است حسابرس داخلی فعالیت خود را در زمینه ای شروع کند که مدیر با آن آشنا باشد. این بهترین فرصتی است که می تواند توانایی خود را نشان دهد.

حسابرسان باید از مشکلات مدیران بخش ها نیز آگاه باشند. در بسیاری از واحدها، اغلب مدیر یک بخش در جلب همکاری سایر بخش ها با مشکل مواجه می شود. این مشکلات بهترین فرصت را برای حسابرسان داخلی فراهم می آورند تا خدماتی را به مدیران بخش ها ارائه کنند.

این یک واقعیت انکارناپذیر است که مدیریت نمی تواند بهترین استفاده را از حسابرسی داخلی ببرد. مدیریت شنیده است که حسابرس داخلی نقش باارزشی دارد، اما به دلیل ابهام و سردرگمی

نمی‌تواند از آن درست استفاده کند. این باعث می‌شود تا برخی از حسابرسان داخلی وقت زیادی برای انجام وظیفه دیگران صرف کنند، در حالی که می‌توانند در جای دیگر مثمرتر و اثربخش باشند. به همین منظور، بایستی وظیفه‌ای پویا و قابل قبول برای او در نظر گرفت.

حسابرسی داخلی جایگزینی برای بازبینی و کنترل داخلی نیست. روش‌های مطلوب را باید برای همه کارهای اساسی که در معرض بازبینی قرار می‌گیرند، تدارک دید. یکی از این روش‌ها می‌تواند تفکیک وظایف باشد، به‌نوعی که هیچ فردی، کنترل تمامی مراحل یک معامله را نداشته باشد و کار وی را دیگری بررسی کند.

حسابرس داخلی نباید هیچ‌یک از این کنترل‌های عادی فعالیت‌ها را انجام دهد. در غیر این صورت، او جزیی از سیستم خواهد شد. سیستم بازبینی داخلی باید طوری طراحی و برنامه‌ریزی شود که حفاظ مناسبی در مقابل اشتباه‌ها و خطاها فراهم آورد، بی‌آنکه نیازی به تکیه بر حسابرسی داخلی داشته باشد. بنابراین، او جایگزین و جانشینی برای کنترل‌های داخلی مستمر نیست. قسمت به‌نسبت کوچکی از فعالیت حسابرسی داخلی آزمون اثربخشی سیستم شامل فعالیت‌های عادی بازبینی آن هم در فواصل غیرمنظم است.

حسابرس داخلی نباید کارهای سیستمی انجام دهد. اگر بخش حسابرسی داخلی بخواهد همه روش‌ها را ایجاد یا برقرار (تعیین) کند، هدف اصلی‌اش که همان ارزیابی سیستم است زیر سؤال می‌رود. به‌علاوه، همواره زمان برای انجام کار محدود است و می‌دانیم برای اجرای کار سیستمی باید زمان زیادی صرف کرد و در نتیجه، وقت کمی برای ارزیابی فعالیت‌ها باقی می‌ماند.

وقتی حسابرس داخلی احساس می‌کند که سیستم به تغییرات اساسی نیاز دارد، بایستی توصیه‌های عمومی ارائه کند، نه آنکه جزئیات را حل کند. جزئیات کار سیستمی باید به دیگران واگذار شود و نقش بعدی حسابرس بررسی و گزارشگری نتایج تغییرات است.

حسابرسی داخلی الزامی به کمک به حسابرسی مستقل ندارد. اگر وظیفه اصلی حسابرس داخلی، ارائه خدمات و کمک مؤثر به مدیریت است، تعهدی برای کمک به حسابرسی قانونی ندارد. حسابرس مستقل، مسئول حسابرسی قانونی و بررسی صورت‌های مالی برای سهام‌داران است، در حالی که حسابرسان داخلی در برابر مدیریت سازمان مسئول و متعهدند. در واقع، آنان مسئول مسائلی هستند که بر کارایی مؤسسه تأثیر می‌گذارد. بنابراین، حسابرسی داخلی نمی‌تواند به حسابرسی مستقل متعهد باشد. در غیر این صورت، به‌جای خدمت به مدیریت به دیگران کمک می‌کند. ضمن آنکه بایستی

توجه داشت که هم حسابرسان مستقل و هم حسابرسان داخلی اثربخشی کنترل‌های حسابداری را بررسی می‌کنند.

کار حسابرسی داخلی می‌تواند منافع شایان توجهی برای حسابرسان مستقل داشته باشد، از جمله آنکه حسابرسان مستقل می‌توانند برنامه خود را بر مبنای کار واقعی حسابرسان داخلی تهیه و تنظیم کنند. اما حسابرسان داخلی هیچ‌گونه تعهد و التزامی به حسابرسان مستقل ندارند. حسابرسان داخلی باید کار خود را به تمامی عملیات تجاری توسعه دهند، زیرا در حوزه حسابداری از آموزش و تجربه کافی برخوردارند. معمولاً در وحله نخست، جنبه‌های مالی و حسابداری را بررسی می‌کنند. این موضوع به آنها امکان می‌دهد تا شناخت کافی از فعالیت‌های تجاری داشته باشند و چارچوب مالی درستی فراهم کنند تا بر پایه آن عرصه‌های عملیاتی را معین کنند که می‌تواند با بذل توجه حسابرسی داخلی مزایایی داشته باشد. البته گاهی اوقات مدیران می‌کوشند تا فعالیت حسابرسان داخلی را فقط به موضوعات حسابداری محدود کنند.

چارچوب حسابرسی داخلی اثربخش

حسابرسی داخلی باید در چارچوب استانداردها و عرف حرفه‌ای اجرا شود تا اثربخش باشد. اصول لازم برای اثربخش بودن حسابرسی داخلی را رهنمودهای حسابرسی داخلی مشخص کرده است. اصول کلی و اساسی آن به قرار زیر است:

- **استقلال:** حسابرس داخلی باید به نسبت جایگاه سازمانی خود استقلال داشته و از لحاظ شخصی، بی‌طرف باشد تا بتواند وظایف و مسئولیت‌های خود را به درستی انجام دهد.
- **کارکنان و آموزش:** واحد حسابرسی داخلی باید به تناسب مسئولیت‌ها و هدف‌های آن، کارکنانی به تعداد کافی، با تحصیلات مناسب و تجربه کافی داشته باشد. حسابرسی داخلی باید برای انجام دادن کلیه مسئولیت‌های خود، آموزش‌های لازم را فرا گیرد.
- **روابط کاری:** حسابرس داخلی باید با مدیریت، حسابرسان مستقل، سایر مقامات ذی‌صلاح و نیز با کمیته حسابرسی روابط صمیمانه کاری و تفاهم متقابل داشته باشد.
- **مراقبت حرفه‌ای:** حسابرس داخلی باید در انجام دادن مسئولیت‌های خود مراقبت‌های حرفه‌ای را اعمال کند.
- **برنامه‌ریزی، کنترل و مستند کردن:** حسابرس داخلی باید عملیات خود را به گونه‌ای مناسب، برنامه‌ریزی، کنترل و مستند کند.

- **ارزیابی سیستم کنترل داخلی:** حسابرس داخلی سیستم کنترل داخلی سازمان را شناسایی و ارزیابی کند تا بتواند درباره کفایت و اثربخشی آن گزارش ارائه دهد.
- **شواهد حسابرسی:** حسابرس داخلی باید شواهد کافی، مرتبط و معتمد را گردآوری کند تا برای نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهای خود، مبنایی منطقی در اختیار داشته باشد.
- **گزارشگری و پیگیری:** حسابرس داخلی باید ترتیبی اتخاذ کند که یافته‌ها، نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادهای مربوط به هر کار حسابرسی داخلی، به‌موقع در اختیار سطوح مناسب مدیریت قرار گیرد و تا دریافت پاسخ لازم، همواره پیگیر آن باشد. حسابرس داخلی باید مطمئن شود که مدیریت سازمان درباره پیشنهادهای اصلاحی او تصمیم‌گیری کرده است تا بتواند اقدامات به‌عمل‌آمده را کنترل کند.

پیشینه پژوهش‌های داخلی

جهانی و یزدانی (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان «تدوین برنامه‌ریزی استراتژیک سامانه حسابرسی داخلی بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری با رویکرد حسابرسی مرکب» انجام دادند. نمونه آماری پژوهش، گروهی از خبرگان به تعداد ۱۶ نفر افراد صلاحیت‌دار در حوزه سیاست‌گذاری، نظارتی و آموزشی در حسابرسی داخلی بانک‌ها و ۶۲ نفر مسئولان و دست‌اندرکاران اجرایی در حسابرسی داخلی بانک‌ها بودند. تعداد جامعه نمونه از طریق مدل کوکران با روش نمونه‌گیری هدفمند مشخص شد. نتیجه پژوهش نشان داد که برنامه‌ریزی استراتژیک به‌عنوان یک نقشه راه در تعالی سامانه حسابرسی داخلی بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری بسیار مؤثر و ضروری است.

مشتری دوست و اسناد (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان جایگاه حسابرسی داخلی و نحوه عملکرد آن در نظام بانکی ایران، بانک‌های دولتی و خصوصی ایران را بررسی کردند. نتایج حاکی از آن است که ارتباط حسابرسی داخلی با مدیریت ارشد در بانک‌های انصار، شهر و سینا مناسب است. نقش و اهمیت حسابرسی داخلی توسط مدیریت ارشد و سایر کارکنان در بانک‌های انصار، شهر و کارآفرین شناخته شده است. نقش مشورتی حسابرسی داخلی فقط در بانک‌های انصار و شهر چشمگیر است. به‌جز بانک ملی، در سایر بانک‌ها حسابرسان داخلی، در خصوص فعالیت خود، از دانش و تجربه کافی برخوردارند و در همه بانک‌ها، حسابرسان داخلی برای بهبود فرایند حسابرسی از آموزش‌های کافی بهره‌مند می‌شوند.

شفعتی و محمودی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «تأثیر ویژگی‌های حسابرسی داخلی و خصوصیت‌های درون شرکتی بر کنترل‌های داخلی اثربخش» انجام داده‌اند. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده‌اند که طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در بورس حضور داشته‌اند و نمونه آماری شامل ۹۳ شرکت است. نتایج نشان می‌دهد که در سطح معناداری ۵ درصد بین اثربخشی کنترل داخلی با صلاحیت تعهد حسابرسی داخلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین اثربخشی کنترل داخلی در عملیات با منابع شرکتی مرتبط با حسابرسی داخلی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

بحری ثالث و مرادی (۱۳۹۷) طی پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی در بهبود کنترل‌های داخلی مطالعه موردی در بانک‌ها و شرکت‌های دولتی آذربایجان غربی، تأثیر عواملی چون استقلال، حمایت مدیریت ارشد، صلاحیت و شایستگی، اندازه واحد حسابرسی داخلی و میزان ارتباط با حسابرسان مستقل بر اثربخشی حسابرسی داخلی در شرکت‌ها و بانک‌های دولتی استان آذربایجان غربی را بررسی کردند. اطلاعات مربوط به متغیرها، با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد از جامعه آماری مدیران و حسابرسان داخلی ۲۶ شرکت و بانک دولتی استان آذربایجان غربی جمع‌آوری شده است. نتایج نشان داد که حمایت مدیریت ارشد، صلاحیت و شایستگی، ارتباط با حسابرسان مستقل، استقلال و اندازه واحد حسابرسی داخلی، به ترتیب بیشترین تا کمترین تأثیر را در اثربخشی دارند.

پیشینه پژوهش‌های خارجی

جرح، الجراح، الزغبی و الجراح^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی نقش حسابرسی داخلی را در کاهش اثرهای حسابداری خلاقانه و مبتکرانه بر قابلیت اطمینان صورت‌های مالی در بانک‌های اسلامی کشور اردن بررسی کردند. در این پژوهش از بین حسابرسان شاغل در بانک‌های اسلامی اردن، نمونه‌ای متشکل از ۱۰۰ حسابرس شاغل از کل ۱۴۳ حسابرس با استفاده از روش انتخابی تصادفی ساده انتخاب شد. نتایج نشان داد که حسابرسی داخلی (شامل عینیت، استقلال، قابلیت اتکا، مراقبت حرفه‌ای و بی‌طرفی) در محدود کردن اثرهای حسابداری خلاق بر قابلیت اطمینان صورت‌های مالی در بانک‌های اسلامی در کشور اردن تأثیر دارد.

1. Jarah, Al- Jarrah, Al-Zaqeba & Al-Jarrah

عبدالحسین بندر، کوبر و المالک^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی تأثیر سیستم حسابرسی داخلی بر بهبود کیفیت خدمات بانکی در بانک‌های تجاری را بررسی کردند. این پژوهش بین کارمندان شهر بصره انجام شد که پژوهشگر به مهم‌ترین توصیه‌ها یعنی لزوم انتخاب حسابرسان از بین افراد واجد شرایط و دارای تجربه حرفه‌ای در عملکرد حسابرسی داخلی توسط مدیریت بانک تجاری رسید که در بهبود کیفیت خدمات ارائه‌شده توسط بانک به مشتریان منعکس می‌شود.

تران، هوآنگ و تان^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان اثربخشی سیستم کنترل داخلی در مؤسسه‌های اعتباری ویتنام، طی پرسش‌نامه‌ای ساختاریافته، نظرهای عینی از کارشناسان و مدیران مؤسسه‌های اعتباری در سال ۲۰۲۰ را با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند در بین ۳۸۲ نفر به جمع‌آوری کردند. نتایج نشان داد که هر پنج مؤلفه اصلی حسابرسی داخلی شامل فرهنگ نظارت و کنترل مدیریت، شناسایی و ارزیابی ریسک، کنترل فعالیت‌ها و تفکیک وظایف، اطلاعات و ارتباطات و نظارت بر فعالیت‌ها و اصلاح ضعف‌ها، اثربخشی سیستم کنترل داخلی را بهبود می‌بخشند و سیستم کنترل داخلی در ائمنی مؤسسه‌های اعتباری ویتنام نقشی اساسی ایفا می‌کند. بنابراین، بانک مرکزی ویتنام باید چارچوب قانونی و مقررات کنترل داخلی مرتبط را برای مؤسسه‌های اعتباری مطابق با اصول بین‌المللی بهبود بخشد تا اثربخشی سیستم کنترل داخلی بهبود یابد.

فرضیه‌های پژوهش

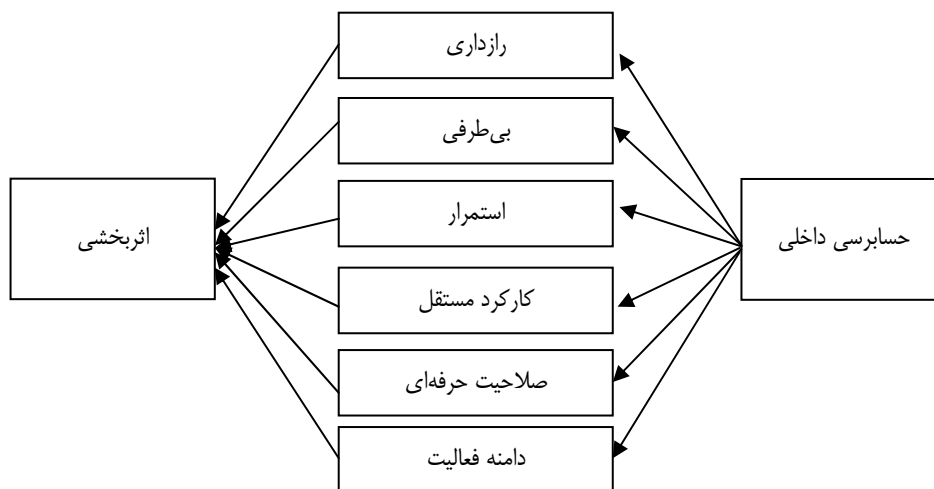
۱. حسابرسی داخلی در بانک سپه به دلیل به‌روز بودن روش‌های رسیدگی اثربخش است که برای سنجش فرضیه بیان‌شده از متغیرهای رازداری و کارکرد مستقل استفاده می‌شود.
۲. حسابرسان داخلی در انجام وظایف خود در راستای اثربخشی حسابرسی داخلی برخوردار از مهارت کافی هستند که برای سنجش فرضیه بیان‌شده از متغیرهای صلاحیت حرفه‌ای و دامنه فعالیت استفاده می‌شود.
۳. هدف‌های حسابرسی داخلی در بانک سپه به روشنی به‌نحوی که به اثربخشی منجر شود، تعریف شده است که برای سنجش فرضیه بیان‌شده از متغیرهای استمرار و بی‌طرفی استفاده می‌شود.

1. Bandar, Kuaiber & Almalik

2. Tran, Hoang Anh & Tuan

متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش حاضر با توجه به فرضیه‌های آن به ترتیب شامل متغیر مستقل: حسابرسی داخلی (رازداری، بی‌طرفی، استمرار، کارکرد مستقل، صلاحیت حرفه‌ای و دامنه فعالیت) و متغیر وابسته: اثربخشی است، از این رو، مدل مفهومی پژوهش را می‌توان به صورت زیر ارائه کرد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری در این پژوهش، کارکنان امور مالی و بانکی و اعتبارات و مدیران مالی و اداری و معاونان اداری و مالی بانک سپه است که در ساختار سازمانی بانکها، جایگاه واحد حسابرسی داخلی، به منظور داشتن استقلال نسبی و ارائه گزارش‌های بی‌طرفانه، مستقل از واحد اداری و مالی بوده و زیر نظر کمیته حسابرسی قرار دارد که متشکل از اعضای هیئت‌مدیره غیرموظف است. برای دریافت نظرها در خصوص اثربخشی نظام حسابرسی داخلی در بانک سپه، پس از مصاحبه با متخصصان و صاحب‌نظران مربوطه و مطالعات کتابخانه‌ای، عوامل و موانع مؤثر در اثربخشی نظام حسابرسی داخلی شناسایی و گردآوری شدند. سپس عوامل یادشده دسته‌بندی شدند و در قالب پرسش‌نامه تهیه و به کل جامعه آماری که در مجموع ۱۴۰ نفر بودند، ارسال شد که از این تعداد ۱۰۱ پرسش‌نامه دریافت شد.

پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و به لحاظ هدف، توصیفی است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش نامه است. از پرسش نامه به عنوان ابزار اصلی پژوهش و گردآوری اطلاعات به منظور دستیابی به داده‌های مدنظر و به منظور سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری، از آلفای کرونباخ استفاده شده است. در پژوهش حاضر با مراجعه به تئوری‌ها، مدل‌ها و نظریه‌های موجود در خصوص حسابرسی داخلی در بانک‌ها، استفاده از سایت‌های اینترنتی و همچنین بررسی کتابخانه‌ای، مقالات فارسی و انگلیسی، پایان نامه‌ها، گزارش طرح‌ها و پروژه‌ها، ژورنال‌ها و مجلات علمی و پژوهشی به توسعه ادبیات پژوهش مبادرت شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از نمونه آماری و به منظور آزمون فرضیه‌های تنظیم شده این پژوهش، از پرسش‌نامه‌هایی که با توجه به متغیرهای پژوهش و عملیاتی کردن آنها تنظیم شده، استفاده خواهد شد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از آمارهای توصیفی و استنباطی استفاده می‌شود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، از روش‌های آمار توصیفی، همچون محاسبه میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی، از روش‌های همبستگی بین متغیرهای پژوهش و روش‌های تحلیل رتبه‌ای پیرسون استفاده شده است. نرم‌افزارهای استفاده شده برای تحلیل داده‌ها، اسپاس اس ۱۹ و ایویوز ۷ بوده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای مدل

جدول ۱ بیان‌کننده آمار توصیفی متغیرهای پژوهش است. این ویژگی‌های توصیفی آماری فقط در ارتباط با ارائه اطلاعات آماری بیشتر در خصوص هر متغیر است و نتایج آمار توصیفی در تحلیل برآورد استفاده شده واقع نمی‌شود. به همین منظور، به طور نمونه خلاصه‌ای از آمار توصیفی جدول ۱ تشریح شده است. میانه، یکی از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میانه متغیر صلاحیت حرفه‌ای برابر با ۲ است که نشان می‌دهد نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند.

پارامترهای پراکندگی از جمله واریانس و انحراف معیار، به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از جمله پارامترهای مهم

پراکندگی انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر رازداری برابر $0/40207$ و برای متغیر کارکرد مستقل برابر $0/70852$ است که نشان می‌دهد در بین متغیرهای پژوهش کارکرد مستقل و رازداری به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی هستند.

جدول ۱. شاخص‌های مهم آمار توصیفی متغیرها

متغیر	نماد	میانگین	پهنای	انحراف استاندارد	واریانس	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی
اثربخشی	Effe	۳/۷۷۸۷	۳/۳۹	۴/۵۸	۱/۱۹	۰/۲۰۹	-۱/۶۳۷	۹/۲۳۹
استمرار	Con	۳/۹۲۱۷	۲/۶۷	۵/۰۰	۲/۳۳	۰/۲۵۲	-۰/۱۱۷	۱/۲۶۴
بی‌طرفی	Neu	۳/۶۵۲۰	۲/۶۰	۵/۰۰	۲/۴۰	۰/۴۵۵	-۰/۲۲۸	-۰/۳۱۹
کارکرد مستقل	Inop	۳/۶۱۱۶	۳/۴۰	۵/۰۰	۱/۶۰	۰/۵۰۲	-۰/۳۰۱	-۰/۱۳۳
صلاحیت حرفه‌ای	prco	۳/۸۰۲۵	۲/۰۰	۴/۷۵	۲/۷۵	۰/۱۷۲	-۰/۳۷۸	-۰/۷۹۱
دامنه فعالیت	Sco	۳/۷۶۳۴	۲/۸۰	۵/۰۰	۲/۲۰	۰/۲۹۲	-۰/۵۴۳	-۰/۶۵۱
رازداری	Sec	۳/۷۸۳۰	۱/۹۱	۴/۸۱	۲/۹۰	۰/۱۶۲	-۰/۰۶۴	-۰/۲۹۴

میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می‌نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود خواهد داشت. برای مثال، ضریب چولگی متغیرهای بی‌طرفی و رازداری منفی بوده و $0/319$ و $0/294$ عدم تقارن و چولگی به چپ دارند و بقیه متغیرها مثبت هستند، یعنی این متغیرها چولگی به راست دارند و به اندازه مقادیر جدول ۱ از مرکز تقارن انحراف دارند. متغیر اثربخشی بیشترین و متغیر کارکرد مستقل نیز کمترین عدم تقارن را نسبت به توزیع نرمال دارد.

میزان کشیدگی منحنی فراوانی نسبت به منحنی نرمال استاندارد را برجستگی یا کشیدگی می‌نامند. اگر کشیدگی حدود صفر باشد، منحنی فراوانی از لحاظ کشیدگی وضعیت متعادل و نرمال خواهد داشت، اگر این مقدار مثبت باشد منحنی برجسته و اگر منفی باشد، منحنی پهن است. کشیدگی متغیرهای این پژوهش هم مثبت و هم منفی است. متغیر بی‌طرفی بیشترین برجستگی و متغیر دامنه فعالیت بیشترین پهن‌شدگی را نسبت به منحنی نرمال دارد.

آزمون نرمال بودن داده‌ها

با توجه به اینکه نرمال بودن داده‌ها برای متغیر وابسته کفایت می‌کند و در جدول ۲ نیز آماره آزمون به‌دست‌آمده بزرگ‌تر از $0/05$ است، بنابراین توزیع داده‌ها نرمال است.

جدول ۲. آزمون نرمال بودن داده‌ها

متغیر	نماد	سطح معناداری	آزمون کولموگروف و اسمیر نوف
اثربخشی	Effe	۰/۱۳	۱/۱۵

تحلیل هم‌بستگی

طبق نتایج جدول ۳ متغیر اثربخشی (متغیر وابسته پژوهش) با متغیر رازداری، بی‌طرفی، استمرار و کارکرد مستقل، صلاحیت حرفه‌ای و دامنه فعالیت هم‌بستگی قوی و مستقیم (مثبت) دارد. در بین متغیرهای مستقل همه متغیرهای پژوهش با اثربخشی رابطه معناداری دارند.

جدول ۳. ماتریس هم‌بستگی اسپیرمن

متغیر	نماد	اثربخشی	استمرار	بی‌طرفی	کارکرد مستقل	صلاحیت حرفه‌ای	دامنه فعالیت	رازداری
اثربخشی	Effe	۱/۰۰۰						
استمرار	Con	۰/۵۵ /۰۰	۱/۰۰۰					
بی‌طرفی	Neu	۰/۶۱۹ ۰/۰۰	۰/۶۵۴ ۰/۰۰۰	۱/۰۰۰				
کارکرد مستقل	Inop	۰/۶۲۷ ۰/۰۰۴	۰/۵۴۴ ۰/۰۰۱	۰/۸۱۳ ۰/۰۰۰	۱/۰۰۰			
صلاحیت حرفه‌ای	Prco	۰/۴۴۶ ۰/۰۰۳	۰/۲۰۸ ۰/۰۳۸	۰/۱۴۰ ۰/۱۶۵	۰/۱۹۱ ۰/۰۵۶	۱/۰۰۰		
دامنه فعالیت	Sco	۰/۷۳۰ ۰/۰۰	۰/۱۷۳ ۰/۰۸۶	۰/۲۷۲ ۰/۰۰۶	۰/۳۹۶ ۰/۰۰	۰/۴۰۸ ۰/۰۰	۱/۰۰۰	
رازداری	Sec	۰/۷۲۱ ۰/۰۰	۰/۲۲۳ ۰/۰۲۵	۰/۲۵۵ ۰/۰۱۱	۰/۳۶۵ ۰/۰۰	۰/۷۸۹ ۰/۰۰	۰/۸۸۲ ۰/۰۰	۱/۰۰۰

آزمون فرضیه نخست

حسابرسی داخلی در بانک سپه به دلیل به روز بودن روش های رسیدگی اثربخش است. برای سنجش فرضیه بیان شده از متغیرهای رازداری و کارکرد مستقل استفاده می شود. بر اساس جدول ۳، با توجه به اینکه میزان آماره t متغیر رازداری برابر با $۱۳/۸۳$ (بیش از ۲) و P -value متغیر نیز برابر با ۰ درصد (کمتر از ۰/۰۵ درصد) است، می توان گفت که رازداری بر اثربخشی در بانک سپه، اثری مثبت و معنادار دارد، به طوری که کاهش رازداری باعث کاهش اثربخشی می شود. همچنین، ضریب تعیین مدل برابر با ۶۶ درصد بوده که بیانگر توضیح دهنده گی به نسبت بالای مدل است. F مدل نیز برابر با ۱۹۱ بوده که بیانگر معناداری کل مدل است و در نهایت، دوربین واتسون مدل برابر با $۱/۶۶$ بوده که نشان می دهد مدل از لحاظ خودهمبستگی مشکلی ندارد.

جدول ۴. تأثیر رازداری بر اثربخشی حسابرسی داخلی

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	P-value	نتیجه
عرض از مبدأ	C	۰/۸۵	۴/۱۴	٪۰	معنادار و اثری مثبت
رازداری	sec	۰/۷۷	۱۳/۸۳	٪۰	معنادار و اثری مثبت
ضریب تعیین مدل	R^2		٪۶۶		دارای توضیح دهنده گی به نسبت بالای مدل
F مدل	F		۱۹۱		معناداری کل مدل
دوربین واتسون	D.W		۱/۶۶		عدم خودهمبستگی در مدل

بر اساس جدول ۵، با توجه به اینکه میزان آماره t متغیر کارکرد مستقل ارائه خدمات برابر با $۲/۶۰$ (بیش از ۲) و P -value متغیر نیز برابر با $۰/۰۱$ درصد (کمتر از $۰/۰۵$ درصد) است، می توان گفت که اثرهای کارکرد مستقل بر اثربخشی در بانک سپه مثبت و معنادار بوده، به طوری که با کاهش کارکرد مستقل موجب کاهش در اثربخشی در بانک سپه می شود. همچنین، ضریب تعیین مدل برابر با ۳۶ درصد بوده که بیانگر توضیح دهنده گی متوسط مدل است. F مدل نیز برابر با $۶/۸$ بوده که بیانگر معناداری کل مدل است و در نهایت، دوربین واتسون مدل برابر با $۱/۷۸$ بوده که نشان می دهد مدل از لحاظ خودهمبستگی مشکلی ندارد.

جدول ۵. نتایج کارکرد مستقل بر اثربخشی حسابرسی داخلی

نتیجه	P-value	آمار t	ضریب	نماد	متغیر
معنادار و اثری مثبت	٪۰	۳/۳۶	۲/۰۳	C	عرض از مبدأ
معنادار و اثری مثبت	٪۰۱	۲/۶۰	۰/۴۲	INOP	کارکرد مستقل
دارای توضیح دهنده‌گی بالای مدل		٪۳۶		R ^۲	ضریب تعیین مدل
معناداری کل مدل		۶/۸		F	F مدل
عدم خودهم‌بستگی در مدل		۱/۷۸		D.W	دوربین واتسون

طبق نتایج به دست آمده از تحلیل و آزمون‌های بالا، فرضیه نخست رد نمی‌شود.

آزمون فرضیه دوم

حسابرسان داخلی در انجام وظایف خود در راستای اثربخشی حسابرسی داخلی از مهارت کافی برخوردارند که برای سنجش فرضیه بیان شده از متغیرهای صلاحیت حرفه‌ای و دامنه فعالیت استفاده می‌شود.

جدول ۶. اثرهای دامنه فعالیت بر اثربخشی حسابرسی داخلی

نتیجه	P-value	آمار t	ضریب	نماد	متغیر
معنادار و اثری مثبت	٪۰	۵/۹۶	۱/۸۱	C	عرض از مبدأ
معنادار و اثری مثبت	٪۰	۶/۵۱	۰/۵۰	sco	دامنه فعالیت
دارای توضیح دهنده‌گی کمابیش بالای مدل		٪۳۰		R ^۲	ضریب تعیین مدل
معناداری کل مدل		۴۲		F	F مدل
عدم خودهم‌بستگی در مدل		۱/۶۱		D.W	دوربین واتسون

بر اساس جدول ۶، با توجه به اینکه میزان آماره t متغیر دامنه فعالیت برابر با ۶/۵۱ (بیش از ۲) و P-value متغیر نیز برابر با صفر درصد (کمتر از ۰/۰۵ درصد) است، از این رو، می‌توان گفت که اثرهای دامنه فعالیت بر اثربخشی حسابرسی داخلی در بانک سپه مثبت و معنادار است. همچنین، ضریب تعیین مدل برابر با ۳۰ درصد بوده که بیانگر توضیح دهنده‌گی به نسبت بالای مدل است. F مدل

نیز برابر با ۴۲ بوده که بیانگر معناداری کل مدل است و در نهایت، دوربین واتسون مدل برابر با ۱/۶۱ بوده که نشان می‌دهد مدل از لحاظ خودهم‌بستگی مشکلی ندارد.

جدول ۷. اثرهای صلاحیت حرفه‌ای بر اثربخشی حسابرسی داخلی

نتیجه	P-value	آمار t	ضریب	نماد	متغیر
معنادار و اثری مثبت	۰٪	۵/۱۴	۲/۳۷	C	عرض از مبدأ
معنادار و اثری مثبت	۰/۰۰۶٪	۲/۷۹	۰/۳۳	PRCO	صلاحیت حرفه‌ای
دارای توضیح دهنده‌گی کمابیش بالای مدل	۲۷٪			R ^۲	ضریب تعیین مدل
معناداری کل مدل	۷/۸			F	مدل F
عدم خودهم‌بستگی در مدل	۱/۷۶			D.W	دوربین واتسون

بر اساس جدول ۷، با توجه به اینکه میزان آماره t متغیر صلاحیت حرفه‌ای برابر با ۲/۷۹ (بیش از ۲) و P-value متغیر نیز برابر با ۰/۰۰۶ درصد (کمتر از ۵ درصد) است، می‌توان گفت که صلاحیت حرفه‌ای بر اثربخشی حسابرسی داخلی در بانک سپه اثری مثبت و معنادار داشته، به طوری که با کاهش صلاحیت حرفه‌ای اثربخشی حسابرسی داخلی در بانک سپه نیز کاهش می‌یابد. همچنین، ضریب تعیین مدل برابر با ۲۷ درصد بوده که بیانگر توضیح‌دهندگی متوسط مدل است. F مدل نیز برابر با ۷/۸ بوده که بیانگر معناداری کل مدل است و در نهایت، دوربین واتسون مدل برابر با ۱/۷۶ بوده که نشان می‌دهد مدل از لحاظ خودهم‌بستگی مشکلی ندارد.

طبق نتایج به دست آمده از آزمون بالا، فرضیه دوم رد نمی‌شود، یعنی حسابرسان داخلی در انجام وظایف خود در راستای اثربخشی حسابرسی داخلی، از مهارت، دانش و تجربه کاری کافی برخوردار هستند.

آزمون فرضیه سوم

اهداف حسابرسی داخلی در بانک سپه به روشنی به نحوی که به اثربخشی منجر شود، تعریف شده است که برای سنجش فرضیه بالا از متغیرهای استمرار و بی طرفی استفاده می‌شود.

جدول ۸. اثرهای بی‌طرفی بر اثربخشی حسابرسی داخلی

نتیجه	P-value	آمار t	ضریب	نماد	متغیر
معنادار نیست	٪۶۴	۰/۴۵	۰/۲۰	C	عرض از مبدأ
معنادار و اثری مثبت	٪۰	۷/۷۹	۰/۹۱	neu	بی‌طرفی
دارای توضیح‌دهندگی بالای مدل		٪۳۸		R ^۲	ضریب تعیین مدل
معناداری کل مدل		۶۰		F	مدل F
عدم خودهم‌بستگی در مدل		۱/۷۵		D.W	دوربین واتسون

بر اساس جدول ۸، با توجه به اینکه میزان آماره t متغیر بی‌طرفی برابر با ۷/۷۹ (بیش از ۲) و P-value متغیر نیز برابر با صفر درصد (کمتر از ۰/۰۵ درصد) است، می‌توان گفت که بی‌طرفی بر اثربخشی اثری مثبت و معنادار دارد، به طوری که کاهش بی‌طرفی موجب کاهش اثربخشی می‌شود. همچنین، ضریب تعیین مدل برابر با ۳۸ درصد بوده که بیانگر توضیح‌دهندگی بالای مدل است. F. مدل نیز برابر با ۶۰ بوده که بیانگر معناداری کل مدل است و در نهایت، دوربین واتسون مدل برابر با ۱/۷۵ بوده که نشان می‌دهد مدل از لحاظ خودهم‌بستگی مشکلی ندارد.

جدول ۹. اثرهای استمرار بر اثربخشی حسابرسی داخلی

نتیجه	P-value	آمار t	ضریب	نماد	متغیر
معنادار و اثری مثبت	٪۰	۴/۴۷	۲/۷۸	C	عرض از مبدأ
معنادار نیست	٪۱۶	۱/۳۹	۰/۲۲	CON	استمرار
دارای توضیح‌دهندگی متوسط مدل		٪۲۱		R ^۲	ضریب تعیین مدل
معناداری کل مدل		۳/۹۵		F	مدل F
عدم خودهم‌بستگی در مدل		۱/۸۳		D.W	دوربین واتسون

بر اساس جدول ۹، با توجه به اینکه میزان آماره t متغیر برابر با ۴/۴۷ (کمتر از ۲) و P-value متغیر نیز برابر با ۱۶ درصد (بیشتر از ۵ درصد) است، می‌توان گفت اثرهای استمرار بر اثربخشی معنادار نیست. همچنین، ضریب تعیین مدل برابر با ۲۱ درصد بوده که توضیح‌دهندگی قابل قبولی برای مدل نیست. F. مدل نیز برابر با ۳/۹۵ بوده که بیانگر معناداری کل مدل است و در نهایت، دوربین واتسون مدل برابر با ۱/۸۳ بوده که نشان می‌دهد مدل از لحاظ خودهم‌بستگی مشکلی ندارد.

در نتیجه، هدف‌های حسابرسی داخلی در بانک سپه به‌روشنی به‌نحوی که به اثربخشی منجر شود، تعریف نشده است و این فرضیه رد می‌شود.

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌ها

یافته این پژوهش در خصوص آزمون فرضیه نخست نشان داد که حسابرسی داخلی در بانک سپه به‌دلیل به‌روز بودن روش‌های رسیدگی اثربخش است. از این یافته نتیجه‌گیری می‌شود که رازداری و کارکرد مستقل حسابرسان داخلی بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر مثبت و معنادار دارد. این یافته متأثر از این مورد است که رعایت آیین رفتار حرفه‌ای از جمله رازداری و کارکرد مستقل، باعث افزایش اثربخشی حسابرسی داخلی می‌شود.

در یک نظام کنترل داخلی مؤثر، بانک‌ها می‌بایست در حوزه‌های مالی، تطبیق و عملیاتی، از داده‌های کافی و جامعی برخوردار باشند. اطلاعات کافی، مرتبط، معتبر و به‌موقع و ارتباطات اثربخش این اطلاعات در سطح سامانه‌های اطلاعاتی بانک عواملی ضروری برای کارکرد مناسب یک نظام کنترل داخلی هستند. وجود بستر اطلاعاتی یکپارچه و کامل به ایجاد یک زنجیره عطف حسابرسی منجر می‌شود. در این خصوص، در بانک سپه با توجه به استقرار سامانه متمرکز به‌منظور اجرای عملیات بانکی، شناسایی، ثبت و پردازش رویدادهای مالی و نگهداری اطلاعات مرتبط با عملیات، برای بهره‌برداری از اطلاعات کافی بستر کافی به وجود آمده است. همچنین، با اعمال کنترل‌های داخلی از سوی مدیریت و ارزیابی آن از طریق مدیریت حسابرسی داخلی به‌صورت دوره‌ای از قابلیت اتکا و پردازش صحیح الکترونیکی اطلاعات سامانه‌های مالی و عملیاتی بانک اطمینان حاصل می‌شود.

اما نبود آموزش کافی و شناخت کافی کارکنان حسابرسی داخلی در زمینه بازارها و محصولات تجاری، سیستم‌های الکترونیکی اطلاعات و سایر حوزه‌های بسیار پیشرفته نیز، به تشدید مشکلات حسابرسی داخلی انجامیده است. از آنجا که این کارکنان در این زمینه از تجربه لازم برخوردار نبودند، اغلب در طرح پرسش‌های پیرامون موارد مشکوک نیز تردید داشتند و هنگام طرح پرسش‌ها نیز به‌جای آنکه با پاسخ‌های ارائه‌شده چالش به وجود آورند، به‌احتمال زیاد آنها را می‌پذیرفتند.

یافته این پژوهش در خصوص آزمون فرضیه نخست نشان داد که حسابرسان داخلی باید به ارزش و حق مالکیت اطلاعات دریافتی احترام بگذارند و بدون داشتن اختیار مناسب، اطلاعات را فاش نکنند و کارکرد مستقلی داشته باشند، مگر آنکه وظیفه‌ای قانونی یا حرفه‌ای برای افشای آن وجود داشته

باشد و بتوانند با بررسی مؤثر و به‌موقع از اتلاف منابع جلوگیری کرده و موجبات افزایش کارایی و اثربخشی فعالیت‌های سازمان را فراهم آورند. نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش‌های دروگالاس، کاراگیورگوس و آرامپاتزیس^۱ (۲۰۱۵)، چن، لی، هان و ما^۲ (۲۰۲۰)، اخروی جوقان، رحیمیان و قره‌داغی (۱۳۹۷)، طاهری، سلیمانی امیری و امینی (۱۳۹۷)، فتحی عبداللهی و آقای (۱۳۹۶)، کیانمهر و نصیرزاده (۱۳۹۵) و گرجی فرد (۱۳۹۱)، هم‌سو است.

یافته این پژوهش در خصوص آزمون فرضیه دوم نشان داد که حسابرسان در انجام وظایف خود در راستای اثربخشی حسابرسی داخلی داخلی، از مهارت، دانش و تجربه کاری کافی برخوردار هستند و صلاحیت حرفه‌ای و دامنه فعالیت حسابرسان داخلی بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر مثبت و معنادار دارد. این یافته متأثر از این است که استفاده از حسابرسان باصلاحیت، باتجربه و دارای مهارت و دانش حرفه‌ای بالا، باعث افزایش اثربخشی حسابرسی داخلی می‌شود.

حسابرسان داخلی باید برای ایفای مسئولیت‌های فردی خویش از دانش، توانایی و سایر ویژگی‌های حرفه‌ای برخوردار باشند. دانش، توانایی‌ها و سایر ویژگی‌های حرفه‌ای، یک اصطلاح کلی است و به مفهوم کارآزمودگی حرفه‌ای مورد نیاز حسابرسان داخلی برای انجام مؤثر مسئولیت‌های حرفه‌ای است. استاندارد ۱۲۰۰ انجمن حسابرسان داخلی، در خصوص کارآزمودگی و دقت حرفه‌ای حسابرسان داخلی بیان می‌دارد: «حسابرسان داخلی باید دانش کافی برای ارزیابی ریسک تقلب و ارزیابی مدیریت آن در سازمان را داشته باشند، ولی انتظار نمی‌رود که دانش آنان به‌اندازه دانش کسانی باشد که مسئولیت اصلی جست‌وجو و کشف تقلب بر عهده آنها است. از طرف دیگر، حسابرسان داخلی باید از دانش کافی در مورد ریسک‌های مهم فناوری اطلاعات و کنترل‌ها و نرم‌افزارهای حسابرسی داخلی برای اجرای وظایف محول برخوردار باشند». با چنین تعریفی به نظر می‌رسد در صورت استقرار «حسابرسی داخلی» و انجام درست وظایف آن بتوان بر بسیاری از مشکلاتی که بانک‌های کشور با آن مواجه شده‌اند، غلبه کرد و آنان را از آسیب‌های بعدی مصون نگه داشت.

در این راستا، صلاحیت‌های آموزشی، صلاحیت‌های حرفه‌ای، تجربه کاری و گستردگی دامنه فعالیت در زمینه حسابرسی داخلی، توسعه مداوم و میانگین ساعات آموزش سالانه باعث افزایش اثربخشی حسابرسی داخلی می‌شود (شمشیری یگانه، ۱۳۹۴). نتایج حاصل از این فرضیه با

1. Drogalas, Karagiorgos & Arampatzis

2. Chen, Li, Han & Ma

پژوهش‌های مسکنی و عبدلی (۱۳۹۹)، شفقتی و محمودی (۱۳۹۹)، بحری ثالث و مرادی (۱۳۹۷)، چن و همکاران (۲۰۲۱)، اخروی جوقان و همکاران (۱۳۹۷)، طاهری و همکاران (۱۳۹۷)، کیانمهر و نصیرزاده (۱۳۹۵)، دروگالاس و همکاران (۲۰۱۵) و عبدالحسین بندر و همکاران (۲۰۲۱) هم‌سو است.

طبق نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه سوم مشخص شد که هدف‌های حسابرسی داخلی در بانک سپه به‌روشنی به‌نحوی که به اثربخشی منجر شود، تعریف نشده است و این فرضیه رد می‌شود. اگرچه ممکن است حسابرسی داخلی منبع کارآمدی برای انجام ارزیابی‌های موردی باشد، اما این وظیفه در خصوص بسیاری از واحدهای مشک دار بانکی اثربخش نیست. کفایت نداشتن حسابرسی داخلی در این زمینه، در اثر ترکیبی از عوامل ذیل تشدید می‌شود: عملکرد حسابرسی‌های پراکنده، نبود درک جامعی از فراین‌های کاری، و نبود پیگیری مناسب مشکلات پس از شناسایی آنها.

رویکرد حسابرسی پراکنده در ابتدا به این دلیل به وجود می‌آید که برنامه‌های حسابرسی داخلی در قالب مجموعه‌ای از حسابرسی‌های گسسته پیرامون فعالیت‌های خاص بخش یا واحد بیان شده، حوزه‌های جغرافیایی یا اشخاص حقوقی ساختار یافته بود. از آنجا که فرایند حسابرسی، فرایندی از هم گسیخته بود، حسابرسان داخلی، شناخت کاملی از مراحل کاری به دست نمی‌آوردند. یک روش حسابرسی که امکان می‌دهد حسابرسان مراحل و وظایف را از شروع تا پایان آن دنبال کنند (به این معنا که یک رویداد مالی واحد را از شروع آن تا ارائه گزارش مالی ذی‌ربط تعقیب کنند)، به آنها این توانایی را می‌دهد تا به شناخت بهتری از موضوعات دست یابند. افزون بر این، این موضوع امکان بررسی و آزمون کفایت کنترل‌ها در هر مرحله از فرایند یادشده را فراهم می‌آورد.

در ضمن، نتیجه آزمون فرضیه سوم بیانگر این بود که بی‌طرفی حسابرسان داخلی بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر مثبت و معنادار دارد. عامل اصلی برای توانمندی حسابرسی داخلی، بی‌طرفی آن است. مدیریت باید این عامل را به رسمیت بشناسد و با تأمین جایگاه مناسب حسابرسی داخلی در ساختار سازمانی، به استقلال و بی‌طرفی واحد حسابرسی داخلی اطمینان دهد.

نتایج حاصل از این فرضیه با، پژوهش‌های اخروی جوقان و همکاران (۱۳۹۷)، کیانمهر و نصیرزاده (۱۳۹۵)، موکاتاش (۲۰۱۱)، برتون و همکاران (۲۰۱۴)، دروگالاس و همکاران (۲۰۱۵)، مشتری دوست و اسناد (۱۳۹۹)، جراح و همکاران (۲۰۲۲)، عبدالحسین بندر و همکاران (۲۰۲۱) و بحری ثالث و مرادی (۱۳۹۷) هم‌سو و با پژوهش‌های فتحی عبداللهی و آقایی (۱۳۹۶) و شمشیری یگانه (۱۳۹۴) متفاوت است. یکی از دلایل تفاوت این است که از دیدگاه پرسش‌شوندگان، بی‌طرفی

حسابرس داخلی در سطح شرکت‌ها رعایت نمی‌شود و موضوعی نیست که به آن توجه جدی شده باشد و دلیل دیگر، تصویری که برای برخی از پاسخ‌دهندگان که در بخش حسابرسی یا مالی کار می‌کنند پیش می‌آید این است که به دلیل برون‌سپاری (توسط حسابرسان خارج از سازمان) بخشی از کار، دیگر به کار آنها نیازی نیست.

پیشنهاد‌های پژوهش

هدف اصلی پژوهش اثربخشی نظام حسابرسی داخلی در بانک سپه، انجام حسابرسی داخلی در مدت زمانی کوتاه‌تر و کاهش هزینه‌های آن است. دستیابی به این اهداف، باعث انتفاع واحد حسابرسی شده می‌شود. برای سازمان‌هایی که واجد حسابرسی هستند، انجام خدمت حسابرسی در مدتی کوتاه به انتشار هرچه سریع‌تر گزارش‌های مالی منجر می‌شود و تسریع در انتشار چنین گزارش‌هایی می‌باید سبب استقبال و درخواست سازمان‌های حسابرسی شده باشد. در رابطه با کاهش هزینه حسابرسی، دلایل مقبولیت این مهم برای سازمان حسابرسی شده، بدیهی است و به نظر می‌رسد به توضیح بیشتری نیاز نیست. صرف نظر از اینکه عملکرد حسابرسی داخلی می‌تواند به دلایل بیان شده موجب انتفاع سازمان‌ها شود، نباید فراموش کرد که مؤثر بودن سیستم حسابرسی داخلی به‌عنوان یکی از اجزای جدانشدنی محیط ساختار کنترلی (سازوکار کنترلی) در تحقق بخشیدن به اهداف سازمانی نقش بسزایی دارد. از این رو، پیشنهاد‌های ارائه شده در رابطه با طراحی و استقرار سیستم حسابرسی داخلی منطقی به نظر می‌رسد.

۱. طبق نتایج فرضیه‌ها پیشنهاد می‌شود که در آیین‌نامه‌های داخلی، مسئولیت‌ها و وظایف واحد حسابرسی داخلی به‌روشنی تعیین شده و اختیارات لازم برای کارکنان واحد حسابرسی داخلی پیش‌بینی شود تا آنها بتوانند به تمامی مدارک، دارایی‌ها، پرونده کارکنان و مدیران سازمان که برای انجام وظایف و مسئولیت‌های خود ضروری تشخیص می‌دهند، دسترسی نامحدود داشته باشند. به این ترتیب، جایگاه کارکنان حسابرسی داخلی باید به‌گونه‌ای باشد که بتوانند به‌طور اثربخش عمل کنند. مدیران ارشد بانک‌ها یا بنگاه‌های اقتصادی وظیفه دارند موقعیت و جایگاه کارکنان واحد حسابرسی داخلی را از لحاظ ساختار سازمانی به طریقی مدنظر قرار داده و از آن به‌طور جدی حمایت کنند تا استقلال حرفه‌ای واحد حسابرسی داخلی که عامل تعیین‌کننده اثربخشی آن است، حفظ شود. فرایند کنترل داخلی که حسابرسی داخلی را به‌عنوان یکی از

- عناصر آن نام می‌بریم، کل سازمان را زیر نظر دارد، به همین دلیل حسابرسی داخلی باید بنا بر قاعده به بالاترین مقام سازمان متصل باشد.
۲. وجود یک واحد حسابرسی داخلی کارا می‌تواند به کاهش زمان، حجم و در پی آن هزینه حسابرسی مستقل منجر شود، اما آشنا نبودن مدیران شرکت‌ها با این مهم سبب نادیده انگاشتن آن شده است. بنابراین، بایستی در راستای استفاده از خدمات حسابرسی داخلی به‌منظور کاهش هزینه‌ها و استفاده از سایر خدمات حسابرسان داخلی آموزش‌های لازم به مدیران داده شود.
۳. در صورت بی‌طرفانه عمل کردن واحد حسابرسی داخلی، کارایی و عملکرد آن بهبود یافته و مدیران و حسابرسان مستقل می‌توانند اتکای بیشتری بر عملکرد ایشان داشته باشند. بنابراین، در راستای افزایش بی‌طرفی حسابرسان داخلی بایستی جایگاه آنها به‌گونه‌ای تعیین شود که زیر نظر بالاترین رده مدیریت یا کمیته حسابرسی فعالیت کنند.
۴. داشتن مهارت شغلی مناسب، عاملی تأثیرگذار برای حسابرسان داخلی است که باید سعی شود از افراد دارای تحصیلات مرتبط و دارای تجربه استفاده کرد و برای بهبود عملکرد ایشان آموزش مستمر برای به‌روزرسانی سطح معلومات و هماهنگ‌سازی ایشان با استراتژی‌های سازمان، در نظر گرفته شود.

منابع و مآخذ

الف. فارسی

- اخروی جوقان، ابوزر؛ رحیمیان، نظام‌الدین و قره‌داغی، مریم (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی از دیدگاه اعضای کمیته حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳(۳)، ۳۱۱-۳۲۶.
- بحری ثالث، جمال؛ مرادی، بابک (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی در بهبود کنترل‌های داخلی مطالعه موردی: بانک‌ها و شرکت‌های دولتی آذربایجان غربی. *فصل‌نامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۷(۲۸)، ۱۰۷-۱۲۲.
- پورموسی، علی اکبر (۱۳۸۸). اهمیت حسابرسی داخلی از دیدگاه مدیران. *مجله حسابرس*، (۴۴-۴۵)، ۱۰۲-۱۰۹.
- جهانی، عباس؛ یزدانی، شهره (۱۴۰۱). تدوین برنامه‌ریزی استراتژیک سامانه حسابرسی داخلی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری با رویکرد حسابرسی مرکب. *فصل‌نامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۴(۴۲)، ۱۳۵-۱۶۶.

- حساس یگانه، یحیی؛ مدنی، سیدمحمد حسین (۱۳۸۳). تأثیر گزارش حسابرسی مستقل در تصمیم‌گیری اعتباردهندگان (بانک‌های ایرانی). *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، (۶)، ۱۱۳-۱۲۸.
- شفعتی، زهرا؛ محمودی، محمد (۱۳۹۹). تأثیر ویژگی‌های حسابرسی داخلی و خصوصیات درون شرکتی بر کنترل‌های داخلی اثربخش. *فصل‌نامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، (۳۵)۹، ۲۴۹-۲۶۱.
- شمشیری یگانه، سمیه (۱۳۹۴). *عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی در شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- طاهری، ماندانا؛ سلیمانی امیری، غلامرضا؛ امینی، یاسین (۱۳۹۷). اهمیت و اثرات پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری چیست؟ *فصل‌نامه حسابداری و منافع اجتماعی*، (۴)۸، ۱-۳۲.
- فتحی عبداللهی، احمد؛ آقایی، محمدعلی (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی حسابرسی داخلی در عملکرد مدیریت ریسک و کنترل سازمان‌های دولتی. *مدیریت سازمان‌های دولتی*، (۳)۵، ۸۳-۹۶.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی سازمان حسابرسی (۱۳۸۹). *استانداردهای حسابرسی*. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی.
- کیان‌مهر، شهرام؛ نصیرزاده، فرزانه (۱۳۹۵). عوامل اثرگذار بر اثربخشی حسابرسی داخلی (مطالعه موردی: آستان قدس رضوی)، *اولین همایش ملی حسابرسی و نظارت مالی ایران*.
- کراهی مقدم، سیروس؛ مرادی، محمد (۱۳۸۵). حسابرسی داخلی در قرن ۲۱. *حسابدار رسمی*، (۷)، ۳۷-۴۲.
- گرچی فرد، امیر حمزه (۱۳۹۱). *بررسی تحلیلی اثربخشی حسابرسی داخلی در شرکت نفت مناطق مرکزی ایران و شرکت‌های تابعه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- مسکنی، مصطفی؛ عبدلی، محمدرضا (۱۳۹۹). بررسی تأثیر انگیزه رقابتی مدیرعامل بر ارتباط‌سویگیری‌های رفتاری مدیران با ضعف سیستم کنترل داخلی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصل‌نامه راهبرد مدیریت مالی*، (۲)۸، ۱۳۵-۱۵۵.
- مشتی دوست، تورج؛ اسناد، فاطمه (۱۳۹۹). جایگاه حسابرسی داخلی و نحوه عملکرد آن در نظام بانکی ایران. *مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، (۴۵)، ۱۸۷-۲۰۰.

ب. انگلیسی

Bandar, A., Kuaiber, M., Almalik, O. (2021). The Impact of the Internal Audit System on Improving the Quality of Banking Services in Commercial Bank. *PalArch's Journal of Archaeology of Egypt/ Egyptology*, 18(1), 1009-1023.

Burton, F. G., Matthew, W. S., Scott, L. S. & David, A. W. (2014). Recruiting Internal Auditors: The Effects of Using the Internal Audit Function as a Management Training Ground and Performing Consulting Services. *American Accounting Association*, 29(1), 115-140.

Chen, H., Yang, D., Zhang, J. H., & Zhou, H. (2020). Internal controls, risk management, and cash holdings. *Journal of Corporate Finance*, 64, 101695.

Chen, S., Li, Z., Han, B., & Ma, H. (2021). Managerial ability, internal control and investment efficiency. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, 100523.

Drogalas, G., Karagiorgos, T. & Arampatzis, K. (2015). Factors associated With Internal Audit Effectiveness: Evidence from Greece. *Journal of Accounting and Taxation*, 7(7), 113-122.

Institute of Internal Auditors (2000). *The Standards for the Professional Practice of Internal Auditing*. The Institute of Internal Auditors Research Foundation, Altamonte Spring, FL. available at: www.theiia.org

Jarah, B.A.F., Al- Jarrah, M.A., Al-Zaqeba, M.A.A. & Al-Jarrah, M.F.M. (2022). The Role of Internal Audit to Reduce the Effects of Creative Accounting on the Reliability of Financial Statements in the Jordanian Islamic Banks. *International Journal of Financial Studies*, 10(3), 60.

Muqattash, R. (2011). The Effect of the Factors in the Internal Audit Department on the Internal Auditors Objectivity in the Banks Operating in the United Arab Emirates: (A Field Study). *Research Journal of Finance and Accounting*, 6(3), 92-100.

Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB). (2007). *An Audit of Internal Control Over Financial Reporting That Is Integrated with An Audit of Financial Statements*. Auditing Standard No. 5. Washington, D.C. Available at: http://www.pcaobus.org/Standards/Auditing/Pages/Auditing_Standard_5.aspx.

Tran, T., Hoang Anh, L. & Tuan, K. (2020). The effectiveness of the internal control system in Vietnamese credit institutions. *Banks and Bank Systems*, 15(4), 26-35.